



ایمان عظیمی

خبرنگار گروه فرهنگ

همین چند روز پیش خبر رسید که نتفلیکس، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین سرویس‌های استریم پخش فیلم در سراسر دنیا ۱۹ فیلم فلسطینی یا آثار مرتبط با وضعیت فلسطینیان را از این پلتفرم حذف کرده است؛ اقدامی که بسیاری خبرساز و جنجال‌آفرین بود و حتی واکنش سازمان حقوق بشری «آزادی به پیش» (freedom forward) را نیز در پی داشت و از نتفلیکس خواست در این مورد پاسخگو باشد که چرا چنین اتفاقی را رقم زده است. آنها اما در پاسخ بیانیه‌ای منتشر و ادعای حذف آثار فلسطینی را تکذیب کردند و حذف این فیلم‌ها را به مسئله پایان قرارداد آنها مرتبط دانستند. اما روی دادن این اتفاق مسبوق به سابقه است و صنعت هنر در غرب کارکردی جز حذف، جرح، تعدیل و دستکاری واقعیت موجود در صحنه جهان ندارد و مدام بر این اصل تأکید می‌کند که مجبور است به بهانه ممانعت از ترویج تروریسم جلوی بسیاری از عقاید و افکار را بگیرد و به احادی هم در این زمینه جواب پس ندهد. به عبارت دیگر این آنهاپند که فاتحانه خود را در مقام شاکس، وکیل و قاضی معرفی می‌کنند و در ادامه به اقامه دعوا و صادر کردن حکم می‌پردازند بدون اینکه فرصت دفاع به دیگری بدهند او را به بند مجازاتی که خود صلاح بدانند گرفتار می‌کنند. در این مورد خاص فیلمسازانی نظیر «الیا سلیمان»، «هانی ابواسد»، «آتماری جاسر» و… بدون اینکه اسلحه‌ای دست بگیرند و در برابر سربازان صهیونیسم مبارزه کنند و ادعای گرفتن زمین از جنگ آنها را داشته باشند مجازات شدند و آثارشان در بیدادگاه این پلتفرم حذف شد. این اتفاقات درحالی رقم می‌خورد که نتفلیکس یک کمپانی عظیم مالی است و با ارزش ۳۲۲ میلیارد دلاری در بازار به عنوان بیست‌وهشتمین شرکت سودده جهان شناخته می‌شود و این توانایی را دارد که فرصت نمایش فیلم‌ها را برای کاربرانش تمدید کند ولی این کار را انجام نمی‌دهد چون هم سود و صرفه‌ای برایش ندارد و هم ادامه این روش و شناخت بیشتر مردم فلسطین از درجه دورین فیلمسازان این کشور به مصلحت صهیونیسم جهانی نیست. در ادامه به خدمات متقابل صهیونیسم و هنر مدرن، خاصه هنر-صنعت سینما می‌پردازیم و نمونه‌های بیشتری از رفتار دوگانه غرب در مواجهه با «هنر مقاومت» را به شما عرضه می‌کنیم.

رابطه عاشقانه هالیوود و اسرائیل

هالیوود سال‌ها پیش از شکل‌گیری نطفه اسرائیل در اراضی فلسطینی رابطه عاشقانه‌اش با صهیونیسم را آغاز کرده بود و فقط پس از ایجاد اولین دولت

یهود در سال ۱۹۴۸ توسط داوید بن‌گوریون پیوندش با این رژیم نوپا و جعلی را مستحکم‌تر کرد. اتفاقی در حال رخ دادن بود که بسیار فراتر از پدید آمدن یک اتحاد بود. آنها قصد داشتند «صهیونیسم سیاسی و فرهنگی» را با استفاده از صنعت سرگرمی هالیوود در قالب یک وضعیت تماما عادی نشان دهند و طرف اسرائیلی هم وظیفه سرگرم کردن افکارعمومی مردم دنیا را از طریق تماشای آثاری که به‌نوعی با ایدئولوژی آنها همراه و هم‌سیر است به صنعت در حال رشد و توسعه هالیوود برون‌سپاری کند. اما هالیوود و دولت جعلی یهود برای موفقیت در این راه نیازمند شبکه‌سازی‌های دقیق مالی و معنوی برای جانا‌نداختن ایده سرزمین موعود بودند؛ آنها کارشان را هم بر پایه یک طراحی دقیق و حساب‌شده پیش بردند و موفق شدند انحصار بسیاری از لوازم سرگرمی را از آن خود کنند. افسانه‌های زیادی در رابطه باکشیده شدن پای جک وارنر (یکی از چهاربرادر یهودی بنیانگذار کمپانی هالیوودی برادران وارنر) به صنعت سینما مطرح می‌شود که باگرویی آن خالی از لطف نیست. مثلالینطور عنوان می‌کنند که جک وقتی با پدیده فیلم‌های صامت مواجه شد به خانه رفت و از مادرش در رابطه با خرید سالن سینما مشورت خواست، مادر در جواب به او گفت: «سینما کالای خوب و ارزشمندی است چون مشتری پیش از دیدن کالا پولش را می‌پردازد.» این جمله شاید هیچ‌گاه توسط مادر جک وارنر گفته نشده باشد ولی واقعیت این قوم و نشان می‌دهد. بسیاری از جوانان یهودی در بدو ورود به آمریکا جذب صنعت نوپای فیلم شدند و آن را تحت تأثیر ذهن منفعت‌طلب خود دگرگون کردند. دومینوی کنترل هالیوود توسط یهودیان نه به صورت آتی، بلکه به مرور کامل شد و آنها حتی زیر فشار محافظه‌کارهای آمریکایی نیز توانستند عملکرد خود را در راستای ایجاد یک امپراتوری عظیم مالی کامل کنند و به بسیاری از رذائل اخلاقی در قالب فیلم‌هایی که تولید می‌کردند رسمیت و ارزش ببخشند. در همین راستا «هنری فورد»، خودروساز مشهور آمریکایی در مقاله‌هایی با اسم «جنبه یهودی در سینما» و «برتری یهودی در سینما» نسبت به اوج‌گیری فعالیت یهودیان و صهیونیست‌ها در صنعت سینمای آمریکا هشدار داد و آنها را به عنوان افراد شروری که می‌خواهند «خشونت» را در کشور به عنوان یک اصل اساسی درنظر بگیرند و عادی جلوه‌اش دهند، مورد خطاب قرار داد. او گفت این جماعت از «سکس» و «خشونت» در قالب پدیده‌هایی به شدت جذاب یاد می‌کنند تا بدین واسطه آثار کمپانی‌های وابسته به خود را در صدر فهرست فروش جای دهند و دیگران را از بین می‌کنیم. محافظه‌کارهای آمریکایی و فاشنیست‌ها به هر مستمسکی چنگ زدند تا از نقش یهودیان در صنعت هالیوود و رشد روزافزون آن بکاهند و هرچند در ابتدا به موفقیت‌هایی نظیر تصویب و اجرای قانون «نظامنامه تولید تصاویر متحرک» موسوم به «هیز کد»

هم دست یافتند اما در آخر نتوانستند نسبت به اجرای آن افشاری بیش از حدی بروز دهند و عاقبت بساط این قانون در سال ۱۹۶۸ برچیده شد. صنعت سینمای آمریکا در آن سال‌ها تنها تحت مالکیت بروکرات‌های کانولیک و بانکداران پروتستان اداره نمی‌شد، بلکه مدیران یهودی استودیوها هم در این بین نقش ویژه‌ای را برای خود دست‌وپا کرده بودند و همانند دو گروه قبلی از خویش به عنوان مدعی دفاع از اصول اساسی آمریکا یاد می‌کردند. پیش از آغاز دوران فیلم‌های افشازگانه در دهه ۷۰ میلادی و مطرح شدن سینماگران موح نوی هالیوودی، اتو پرمینجر تصمیم به ساخت فیلم «خروج» (۱۹۶۰) گرفت. این اثر در قالبی حماسی ماجرای تشکیل دولت اسرائیل را در سرزمین فلسطینیان در سال ۱۹۴۸ روایت می‌کرد و بسیار مورد توجه شورای یهودیت آمریکا قرار گرفت، توجهی که سرآغاز شکل‌گیری دیدگاه‌های مثبتی درخصوص دولت جعلی یهود در میان آمریکایی‌ها بود و سیر حرکت تاریخ سینما را به نفع صهیونیست‌ها تغییر داد. پرمینجر برای ساخت این اثر از دالتون ترومبوی معضوب در دوران سیطره مک‌کارتیسم استفاده کرد و عملابه در دوران سیطره فهرست سیاه صنعت فیلمسازی آمریکا برای همیشه خاتمه داد.

سانسور هدفمند در برابر اسم فلسطین

فلسطین یک حقیقت همیشه زنده است و نمی‌توان آن را همچون بسیاری از چیزها از حافظه مردم جهان پاک کرد. ولی صهیونیست‌ها و حامیان‌شان به خاطر برخورداری از منابع عظیم مالی و کنترل روی بازارهای مختلف فرهنگی و هنری می‌توانند تاجایی که امکان دارد جلوی انتشار صدای حق و حقیقت را در عرصه جنگ نرم بگیرند، و بر این ایده که نقد و نظر مخالف هم باید از صافی نظر آنها رد شود، صحه بگذارند. «آمازون»، «نتفلیکس» و دیگر پلتفرم‌های ایجادشده توسط بنگاه‌های مالی غربی اگرچه وظیفه اصلی خود را خدمت به بشريت و پرکردن اوقات فراغت وی نشان می‌دهند اما کارویژه اصلی آنها خدمت به صهیونیسم جهانی در مواقع اضطراب و استثناست. با شروع عملیات طوفان الاقصی برای آنها که می‌اندیشند روشن شد غرب رسالتی جز خدمت به اسرائیل ندارد و در این راستا تمام محدودیت‌های اخلاقی از پیشش موجود را از میان برمی‌دارد. حذف فیلم‌های کارگردانان فلسطینی از نتفلیکس درحالی اتفاق می‌افتد که گردانندگان این استریم از هر امکانی برای جانا‌نداختن ضدارزش‌ها و ضد‌هنجارهایی نظیر همجنس‌بازی بهره می‌برند و حتی انتقادها نسبت به‌به انتخاذ این رویکرد را برنمی‌تابند و هیچ احترامی هم برای افکارعمومی‌ای که همچون آنها فکر نمی‌کنند، قائل نیستند. جنبه مبتذل و احمقانه ماجرا آنجاست که این جماعت در برابر کسانی که عاشقانه در جهت دفاع از ارزش‌های خود اسلحه به دست می‌گیرند، می‌ایستند و جنگ و دندان نشان

می‌دهند ولی در برابر اشخاص معلوم‌الحال که هیچ محدودودی برای توهین به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و دینی قائل نیستند تسلیم‌محضند و حتی‌راه را برای بروز و انتشار تولیدات سینمایی و به‌اصطلاح فرهنگی و هنری‌شان باز می‌گذارند. برای نمونه، شهادت یحیی سنوار به دست ارتش صهیونی به قدری پرصلابت و اسطوره‌ای بود که توجه بسیاری از مردم جهان را به خود جلب کرد و آنها را برای خرید رمان «خار و میخک» به سایت آمازون فراخواند ولی همین حد از واکنش هم به مذاق جماعت صهیونیست خوش نیامد و با اعمال زور و فشار مانع از فروش این رمان شدند. درواقع صهیونیسم جهانی دوست ندارد چهره سنوار رمان‌نویس با کنایار رفتن انگ‌ها و تهمت‌هایی که از وی به عنوان یک تروریست یاد می‌کردند، نمود پیدا کند و سوی دیگر زیست او به مخاطب معرفی شود. اما همانطور که در ابتدای این بحث اشاره شد فقدان کتاب‌های سنوار در سایت‌های اینترنتی خرید و دانلود کتاب در جهان قرار نیست مانع و خدشه‌ای بر شخصیت والای او و اعمال قهرمانانه‌اش بیندازد و از وی کاراکتری خشونت‌طلب به جهانیان مخابره‌کند. در حوزه سینمای مستند هم وضع بهتر از این نیست و کفه ترازو به نفع طرف اسرائیلی سنگینی می‌کند. آنها عملیات هفت اکتبر را وارونه جلوه می‌دهند و با روایت تاریخ از آنها تا به ابتدا اذاعت می‌شوند تا مخاطب طرف صهیونیست‌ها را بگیرد. برای نمونه استودیو پارامونت در اقدامی بی‌شرمانه، با ساخت فیلم مستند «مادوباره می‌رقصیم» سعی در سفیدشویی از رژیم صهیونیستی داشت ولی اعتراضات نسبت به این فیلم و مستند «شهادت دادن به کشتار ۷ اکتبر» موجب شد آنطور که این افراد دوست دارند کار پیش نرود و غرب نتواند حداقل روی ذهنیت طیف الیت خود سوار شود و واقعیت را آنطور که تمایل دارد به دیگری عرضه کند. اما از طرف دیگر پخش مستندهایی که به‌نوعی طرف فلسطین و مردم غزه راگرفتند نیز بدون ایجاد مزاحمت نبوده است. برای مثال فیلم «از زمین صفر» به عنوان نماینده فلسطین در اسکار ۲۰۲۵ با مشکلات زیادی برای پخش رسمی اثر مواجه شد. این فیلم قرار بود در جشنواره کن گذ‌شته به نمایش دربیاید ولی اکران آن توسط مسئولان برگزارری فستیوال لغو شد ولی رشید ماشاروی، تهیه‌کننده آن با استفاده از یک پروژکتور فیلم را در فضای بیرونی جشنواره اکران کرد و صدایش را به گوش مردم جهان با برپایی چادر و استفاده از پرچم فلسطین در ورودی آن رساند.

قدرت غرب در جنگ نرم کماکان دست برتر را دارد و ملت‌ها برای اینکه بتوانند عاملیت پیدا کنند باید دست از تلاش برای حضور در زمین بازی غربی‌ها بردارند و با انکار بی‌توان خود، ظرفیت داشته‌شان را به منصفه ظهور برسانند و جنگ روایت‌ها را برنده شوند. عملیات طوفان الاقصی همچون یک بهار دوباره است که می‌تواند رزمزه تغییر را به واقعیتی همیشگی و دلنشین تبدیل کند، پس نیاید از آن روی گردانند.



دوشنبه ۷ آبان ۱۴۰۳



شماره ۴۲۶۴



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE



عاطفه جعفری

دبیرگروه فرهنگ

اگر بگویم هزاران کار نکرده و راه نرفته در معاونت فرهنگی وزارت ارشاد وجود دارد، حرف گراف و زیادی نیست؛ حوزه کتاب با توجه به گستره و مسائل متعددی که به آن دچار است برای اینکه بتواند به درستی مدیریت شود، نیاز به شناخت مسائل و برنامه ریزی دارد. اگر در اولین گام مسائلش درست شناخته نشود، حتما مدیر مربوطه را دچار چالش خواهد کرد. تقریبا ۱۰ روز است که عبدالحسین کلانتری به عنوان معاون جدید فرهنگی بر صندلی این معاونت تکیه زده است و در این چند روز دیدارهایی با اهالی نشر و صنوف چاپ داشته تا بتواند نگاه همه دست‌اندرکاران این حوزه را بشنود. حوزه نشر و کتاب از حوزه‌های مهم این وزارتخانه به شمار می‌رود، حوزه‌ای که زیرساخت فرهنگ در آن شکل می‌گیرد و می‌تواند نقطه قوتی پرزنگ برای هر وزارتخانه باشد. شاکله‌های اصلی فرهنگ در این حوزه شکل می‌گیرد. اگر با کسانی که سال‌هاست در این حوزه فعالیت می‌کنند صحبت کنید، این موارد را خواهید شنید؛ «کتاب گران است، کتاب خوب پیدا نمی‌شود، کتاب‌های تألیفی کم است، قاچاق کتاب را کنترل کنید و…»، مسائلی که باید مدنظر معاون فرهنگی جدید باشند تا بتوانند این حوزه را به دور از نگاه‌های سلیقه‌ای مرسوم مدیریت کند.

از نگاه سلیقه‌ای فاصله بگیرید

از نگاه سلیقه‌ای گفتیم و بد نیست اشاره‌ای داشته باشیم به ضربه‌هایی که حوزه کتاب از این مدل نگاه خورده است. حتما میبزی موضوع اول کتاب و نشر نیست اما برخورداری سلیقه‌ای در این سال‌ها همیشه گریبان‌گیر این حوزه بوده است با سازوکار درست و وقتی مطابق قانون و با شفافیت اقدامات این حوزه دنبال شود، می‌توان دست نگاه‌های سلیقه‌ای از میبزی را دور کرد و حاشیه‌های مختلف پدید نیآورد.

تیراژ مهم است نه آمارسازی

برای حجم کتاب‌های تولیدشده در سال

یکی از مشخصه‌هایی که در پیشرفت یک کشور مورد توجه قرار می‌گیرد حجم کتاب‌های منتشرشده در یک سال است. منظور از انتشار کتاب تعداد آثاری است که به صورت تألیفی یا ترجمه در اختیار عموم قرار گرفته است. تعداد شمارگان هم یکی دیگر از شاخص‌های مهم برای کتاب خوان قلمداد کردن مردم یک سرزمین محسوب می‌شود؛ موضوعی که در کشور ما در این سال‌ها همه از کم شدن آن نگرانند. رسیدن تیراژ کتاب‌ها از سه هزار به ۱۰۰ یا ۲۰۰ نسخه یکی از موارد مهمی است که نباید از کنترارش به‌راحتی گذشت. در سه سال گذشته، بسیار شنیدیم که تعداد کتاب‌های منتشرشده (در یک سال) رشد داشته است و از سال‌های قبل پیشی گرفته؛ اما طبیعتا مهم‌تر از تعداد کتاب‌ها کیفیت آنها و شمارگان است که توجهی به آن نمی‌شود.

چنبیره ناشران بخته‌خوار روی کتاب‌های پرفروش

سال گذشته برای اینکه از بازار قاچاق کتاب سرر دربیایوم، چند روزی کنار خیابان از همین مدل کتاب‌ها فروختم. از مافیای این حوزه که بگذریم، نکته مهم و ضرری که باید به آن توجه شود، ناشرانی‌اند که سال‌هاست از این مدل فروش کتاب‌ها ضرر می‌کنند؛ ناشری که در این اوضاع رایب کتاب را می‌خرد، ترجمه می‌کند اما بعد از چاپ و با وجود پرفروش شدن، دیگر خودش صاحب این کتاب نیست و ناشران بخته‌خوار بر کتاب چنبیره می‌زنند و در کنار خیابان و داخل مترو و خیلی جاهای دیگر می‌فروشند. نکته مهم این مورد، مجوزی است که از معاونت فرهنگی برای این کتاب‌ها می‌گیرند و چون کپی‌رایت داخلی نداریم، پس به راحتی می‌توانند از این راه پول‌های با‌آآورده داشته باشند.

کاغذ را به خودکفایی نه، اما به تولید زیاد برسانید

اینکه کاغذ یک کالای استراتژیک است و نقش حیاتی در توسعه فرهنگی یک جامعه دارد را بارها گفته‌ایم و تکرار شده. از کتاب و دفتر موردنیاز مدارس و

دانشگاه‌های سراسر کشور گرفته تا کثیر جزوات و انتشار کتاب‌های عمومی که همه جزء شاخص‌های توسعه یافتگی و رشد فرهنگی‌اند وابسته به وجود کاغذ و در دسترس بودن آن است. دولت سیزدهم به بناداشت و بارها هم اعلام کرد که به خودکفایی کاغذ خواهیم رسید. کارخانه کاغذ مازندران تنها کارخانه‌ای شد که کاغذ مورد نیاز آموزش و پرورش را تولید کرد؛ البته از مشکلاتی که داشت و دارد نباید به راحتی بگذریم، هنوز به خودکفایی کاغذ نرسیده‌ایم چون کارخانه‌های کاغذ فعال نیستند و راه درازی پیش رو دارند. فراع از خودکفایی که طبیعتا به آن نقد وارد بود و است، به تولید برگشتن این کارخانه‌ها و استفاده از ظرفیتی که مغفول مانده بود، می‌تواند نقطه قوتی برای دولت فعلی باشد که بتواند همه کارخانه‌های کاغذ را با ظرفیت بسیار به چرخه تولید برگرداند و تولید کاغذ داخلی را افزایش بدهد تا کنترل کردن قیمت کاغذ وارداتی برای دولت راحت‌تر باشد. عبدالحسین کلانتری روز گذشته در گفت‌وگویی با خبرنگاران در خصوص تولید کاغذ گفته است: «سعی و تلاش ما از روز اولی که مستقر شدیم، با تا کیدیی که وزیر محترم داشتند و دارند این بوده که بتوانیم درواقع شرایطی را فراهم کنیم که نهادها و سازمان‌هایی که ذی‌مدخل در بحث کاغذ هستند مسئولیت خودشان را ادا کنند و در نهایت بتوانیم شاهد رونق صنعت چاپ و نشر باشیم. تلاش ما این است که این اتفاق بیفتد. این جلسه اصلا در همین راستا شکل گرفته است.»

گرانی کتاب کنترل شود

همه چیز گران است و کتاب هم از این قاعده در این سال‌ها مستثنی نبوده است. افزایش قیمت کتاب همیشه یکی از دغدغه‌های جدی سال‌های اخیر در بحث افزایش سرانه مطالعه و کتاب و کتاب‌خوانی بوده است. در شش ماهه نخست امسال در مجموع ۹۶۶،۳۱۳،۰۰۰ صفحه کتاب به قیمت ۶،۵۲۲،۷۳۳،۲۸۲،۶۰۰ تومان منتشر شده است؛ یعنی به طور متوسط قیمت هر صفحه کتاب ۲۸۸ تومان بوده است. در شش‌ماهه نخست سال گذشته در مجموع ۸،۴۰۰،۳۵۶،۰۰۰ صفحه کتاب به قیمت ۵،۰۱۸،۵۹۴،۲۴۸،۰۰۰

تومان منتشر شده بود؛ یعنی متوسط قیمت هر صفحه کتاب ۵۹۷ تومان بوده است. بنابراین، قیمت هر صفحه کتاب ۲۳۱ تومان معادل ۳۹ درصد افزایش یافته است. بخشی از گرانی، همان‌طور که گفتیم به قیمت کاغذ برمی‌گردد و بخشی هم به مدیریت در این حوزه که قیمت بگ‌نگه‌ای نباشد که کتاب از سبد فرهنگی خانوارها حذف شود.

نگاه جدید برای حضور نشر ایران در حوزه بین‌الملل

بحث حضور ایران در مجامع بین‌المللی در حوزه کتاب، موضوع مفصلی است که بارها در بخش‌های مختلف به آن پرداخته‌ایم. از حضور در نمایشگاه‌های کتاب تا ترجمه کتاب‌های ایرانی و رسیدن به کشور مقصد و در دسترس قرار گرفتن آنها. نمایشگاه‌های کتاب خارجی در این سه سال مورد توجه بود و نبود؛ حضور مهم است اما اگر فقط حضور باشد و برنامه‌ای نداشته باشیم، اتفاق جدیدی برای حوزه کتاب و نشر نخواهد افتاد. یکی از الزامات و مقدمات رسیدن به فاز تعاملات و همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی در بازارهای نشر بین‌الملل، حضور قاعده‌مند و منطبق با استانداردهای شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب است؛ بدین معنا که عوامل نشری که می‌خواهند به تعاملات در اقتصاد نشر جهان ورود پیدا کنند باید هم خود قابلیت و توانمندی‌های لازم برای حضور در عرصه‌های بین‌المللی نشر را کسب کنند و هم آثاری را که می‌خواهند در این بازار عرضه کنند، متناسب با ذائقه و سلیقه مخاطبان در بازارهای هدف باشد. یعنی برای حضور هدفمند در این نمایشگاه‌ها باید برنامه داشته باشیم. ترجمه آثار ایرانی هم که خودش حدیث مفصلی دارد از طرح‌های بدون سرانجام مانند گزنت و تاپ که تقریبا در این سه سال شفافیتی هم برای آن وجود نداشته است. اگر قرار است نشر ایران چه در حوزه ترجمه آثار و چه در حضورهای بین‌المللی بدرخشد، معاون فرهنگی جدید وزارت ارشاد باید نگاه جدیدی را در این حوزه بنا کند؛ شاید بتوان با نگاه و برنامه‌ریزی جدید، آمیدی داشت اتفاق جدیدی در پایان چهار سال بیفتد.